دریچه

ژنرال در برابر مهندس

ترجمه: محمدعلی فیروزآبادی

■ برای آگاهی از احساس مردم مصر شاید بهتر آن باشد که سری به محله «شوبرا الخیمه» بزنیم. در این محله واقع در حومه شمالی قاهره با آن کوچه‌های تنگ و خاک‌آلود، گاری‌ها از روی دست‌اندازها می‌گذرند و فروشندگان دوره گرد آهن قراضه و سبزیجات غوغایی به راه انداخته‌اند. کودکان در مقابل خانه‌ها بازی می‌کنند و مردان سالخورده روی صندلی‌های پلاستیکی نشسته‌اند.

در اینجا یعنی در بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین لابیرنت سنگ و ماسه‌ای شمال آفریقا با خانه‌های گلی و آجری است که می‌توان مردم کاملا عادی و معمولی مصر به مانند آن دو قهوه فروش یعنی «عنتر و امجد فرید» را ملاقات کرد. این دو برادر نیز به مانند آن تقریبا ۵۱میلیون نفر دیگر برای انتخابات ۱۶ و ۱۷ ژوئن به پای صندوق‌های رای برای انتخاب رییس‌جمهور جدید فراخوانده شده‌اند. این نخستین انتخابات آزاد ریاست‌جمهوری در مصر به شمار می‌آید؛ همان انتخاباتی که موجبات آن را انقلابی فراهم کرد که جهان را به شگفتی واداشت؛ انقلابی که آن مستبد مبتلا به سرطان یعنی حسنی مبارک را سرنگون کرد؛ همان مستبدی که در دوم ژوئن به حبس ابد محکوم شد.

هنگامی که در انتخابات روزهای ۲۳ و ۲۴ ماه می در نهایت آن دو مرد سر از صندوق‌های رای درآورده و به دور دوم انتخابات راه یافتند، مردمی به مانند آن دو برادر امیدهای خود را از دست دادند. زیرا «احمد شفیق» ۷۰ساله ژنرال سابق نیروی هوایی و یکی از مردان رژیم گذشته محسوب می‌شود و «محمد مرسی» ۶۰ساله هم مهندسی است که از هسته محافظه‌کار اخوان‌المسلمین برآمده است. برادران فرید به مانند اکثر ساکنان این محله آرای خود را به نفع کاندیدای چپ یعنی «حمدان صباحی» به صندوق‌ها ریخته بودند. امجد می‌گوید: «در حال حاضر یک کاندیدا اصولا از انقلاب نفرت دارد و کاندیدای دیگر هم می‌خواهد منافع گروهی و حزبی خودش را تامین کند. خدا به ما رحم کند.»

با این وجود این دو برادر تصمیم گرفته‌اند که در دور دوم انتخابات به آن نظامی سابق یعنی شفیق رای دهند زیرا هرچه باشد او روی بازوی راستش یک صلیب کوچک تتو کرده است! ! برادران فرید قبطی هستند یعنی عضو بزرگ‌ترین اقلیت مسیحی مصر. از نظر امجد برنامه‌های درازمدت اخوان‌المسلمین و همفکران‌شان خطرناک است. نزدیک به یک سوم ساکنان محله شوبرا الخیمه مسیحی هستند و جمعیت مسیحیان در سراسر مصر به پنج تا هشت‌میلیون نفر می‌رسد و این یعنی یک‌دهم جمعیت کل کشور. با این حال کسی از شمار واقعی مسیحیان مصر اطلاعی ندارد زیرا این مساله امری حساس و سیاسی به شمار می‌رود.

اما تنها با اطمینان می‌توان گفت که اکثریت قبطی‌ها مانند برادران فرید فکر می‌کنند. وحشت مسیحیان از اختلاف‌های مذهبی به‌شدت عمیق است. و اگرچه که بسیاری از آنان فقیر و مورد تبعیض قرار گرفته‌اند اما این مساله تا به امروز انگیزه‌ای برای حمایت از اخوان‌المسلمین به عنوان نیکوکارترین جنبش مصر نبوده است. از سوی دیگر شبکه اجتماعی اخوان نیز به هواداران این گروه محدود می‌شود. حال به نقطه‌ای دیگر از پایتخت مصر می‌رویم. در باغ زیبای کلوب شهر و در آن سوی بام‌های این شهر پهناور زندگی دیگری در جریان است. این کلوب محل ویژه‌ای در میان قاهره گرم و پر سر و صدا محسوب می‌شود و در واقع میعادگاه الیت اقتصادی پایتخت است. در اینجا هم در مورد دور دوم انتخابات بحث می‌شود و هیچ‌یک از حاضران عضو یا هوادار اخوان‌المسلمین نیست. البته حاضران در مورد احمد شفیق هم نظرات متفاوتی دارند، همان مردی که به تازگی بار دیگر از مبارک به عنوان یک الگو یاد کرد.

البته این تنها مسیحیان و لیبرال‌ها نیستند که از رییس‌جمهوری وابسته به اخوان‌المسلمین وحشت دارند. علاوه بر رهبران اقتصادی، افراد ارتش و اعضای سابق دستگاه‌های اطلاعاتی، همه آن مصری‌هایی که به گفته خودشان خواهان «مناسبات با ثبات» هستند نیز شفیق را ترجیح می‌دهند.

این ژنرال سابق و یار نزدیک حسنی مبارک و انور سادات وعده داده است که بار دیگر «دولتی مقتدر» تشکیل داده و به «هرج و مرج‌ها» پایان دهد. البته شفیق در تلاش‌هایی ناموفق سعی کرد که دل طرفداران جنبش اعتراضی را به دست آورد و تا مدت‌ها نیت واقعی خود را پنهان می‌کرد. اما در همان شب دور اول انتخابات بود که گفت: «انقلاب به پایان رسیده است.»

شفیق به عنوان آخرین نخست‌وزیر منسوب مبارک به همدستی در کشتار میدان تحریر متهم می‌شود و علاوه بر آن پرونده‌ای با عنوان فساد مالی در دوران ریاستش بر هواپیمایی کشوری مصر علیه وی تشکیل شده است. یکی از جوانان انقلابی مصر می‌گوید: «همکاری با جنایتکاری مانند شفیق غیرممکن است.»

مخالفان شفیق اطمینان دارند که وی از نظر قانونی حق کاندیداتوری در انتخابات را نداشته است زیرا براساس یکی از قوانین جدید، اعضای بلندپایه رژیم گذشته حق نامزدی در هیچ انتخاباتی را ندارند. با این حال کمیسیون انتخابات نامزدی شفیق را تایید کرد و بسیاری از مصری‌ها تردید ندارند که این کار با اعمال نفوذ شورای نظامی صورت گرفته است.

نزدیکی شفیق به ارتش و دستگاه غذایی سایه‌ای سنگین بر کاندیداتوری وی انداخته و می‌اندازد. او حتی پس از پایان محاکمه تاریخی حسنی مبارک نیز در اعلام وفاداری خود به رژیم سابق تردید نمی‌کند. آن دادگاه که با تبرئه پسران مبارک یعنی جمال و علا پایان یافت، خشم و ناامیدی بسیاری از مردم را موجب شد و هزاران نفر را به خیابان‌ها کشاند اما در همان حال شفیق از مردم معترض می‌خواست که حکم دادگاه را بپذیرند.

«قاسم محب‌علی» ارزیابی کرد

انقلاب مصر در محاصره سنت و ارتش

فریبا پژوه

انقلاب ۱۸روزه؛ ۱۸ روزی که مقابل ۶۰ سال حکومت نظامی قد برافراشت. امروز اما انقلابی‌هایی که سودای پیروزی مطلق در سر می‌پروراندند، روزهای سختی را می‌گذرانند. هر چه آنها به سمت دموکراسی پیش می‌روند، موجی می‌زند و آنها را به عقب می‌راند. سه روز مانده به برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری دادگاه عالی قانون اساسی مصر، مجلس خلق این کشور را منحل اعلام کرد؛ مجلسی که پیش از این به عنوان یکی از پایه‌های دموکراسی توسط مردم، استقرار یافته بود. تمرینی که انگار به حساب نیامده. حالا مصر است و آرزوهای بربادرفته و نرفته؛ مصری که هر چه جلوتر می‌رود معادلاتش پیچیده‌تر می‌شود. دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری مصر امروز برگزار می‌شود؛ انتخاباتی تاریخی و حتی تاریخ‌ساز زیرا هر اتفاقی بیفتد و هرکسی رای بیاورد در این شرایط باید منتظر حوادثی تازه شود؛ شرایطی که هرچه باشد به نظر می‌آید برای مردمی که رویای دموکراسی در سر دارند چندان جالب نیست. برای بررسی بیشتر انتخابات پیش رو به گفت‌وگو با «قاسم محب‌علی» مدیر کل پیشین بخش خاورمیانه وزارت خارجه در دوران جنگ نشسته‌ایم.

■■■

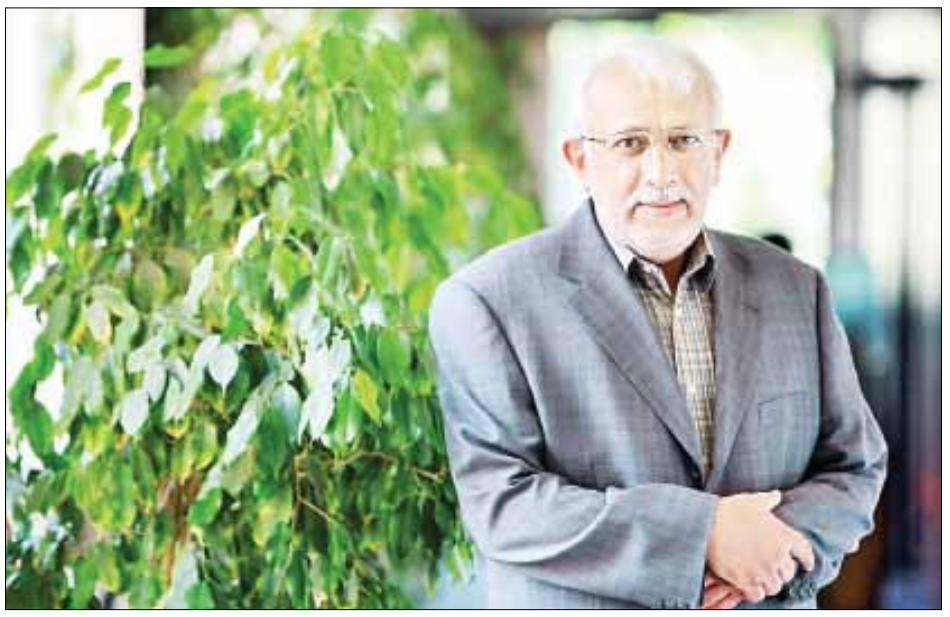

عکس: مهدی حسنی، شرق

ارزیابی شما از انقلاب ۱۸روزه مصر، چرایی و چگونگی وقوع آن چیست؟

نتایج دور نخست انتخابات مصر و نامزدهای حاضر در دور دوم و آنچه در میدان التحریر رخ داد را نمایندگی نمی‌کند. نه مرسی و نه شفیق از نظر طبقه اجتماعی و پایگاه اجتماعی با افرادی که در میدان التحریر حضور داشتند، همخوانی ندارند. بسیاری از کسانی که در میدان التحریر حاضر بودند، گروهی از جوانان تحصیلکرده مصری که به عنوان (جوانان ۶ آوریل) معروف شدند. این افراد از طریق شبکه‌های اجتماعی با یکدیگر مرتبط و هماهنگ می‌شدند. در ششم آوریل ۲۰۰۸ اعتصابی در یک کارخانه در مصر اتفاق افتاد. این جوانان برای انعکاس آن اعتصاب صفحه‌ای را در فیس‌بوک ساختند. آن صفحه و گروه به سرعت در شبکه‌های اجتماعی گسترش پیدا کرد. کسانی هم که از اینترنت استفاده می‌کردند مجموعا جوانان تحصیلکرده و دانشجو بودند. کم‌کم این افراد شروع کردند با هم ارتباط برقرار کردن، تا پایان سال ۲۰۱۰ که تصمیم گرفتند به میدان التحریر بیایند. خواسته‌های آنان، به‌صورت عمومی، خواسته‌هایی بود که نتیجه آشنایی آنها با دنیای جدید و تمدن جدید و مساله جهانی شدن بود. دموکراسی، حقوق بشر، انتخابات آزاد، شفافیت حکومت، حکومت گردشی، زندگی صلح‌آمیز با دنیا و روابط بین‌المللی مسالمت‌آمیز و توسعه اقتصادی در یک جمله، زندگی کردن مثل همه کسانی که در دنیا زندگی می‌کنند. این در حالی است که در بعد از جنگ جهانی دوم و پس از استقلال کشورهای خاورمیانه و در زمانی که مساله تشکیل رژیم اسراییل یا اشغال فلسطین پیش آمد، همیشه مساله اشغال سرزمین‌های فلسطینی و وابستگی و عدم وابستگی، موضوع اصلی همه جنبش‌های خاورمیانه‌ای بود. اما مساله اصلی افراد که در تحریر تجمع کرده بودند، اینها نبود. البته مساله فلسطین فراموش نشده بود، بلکه بحث‌های جدیدی به وجود آمده بود. بحث‌هایی در قالب Good Governece یا در حکمرانی خوب به وجود آمده بود. در گذشته نیروهای سیاسی، اسلامی، چپ یا راست، هدف‌شان تغییر مواضع سیاسی حکومت بود. هدف آنها تغییر نوع رابطه مردم با حکومت یا نوع شیوه حکمرانی نبود. مطالبه تغییر شیوه‌های حکمرانی برای اولین بار بود که در رویدادهای اخیر تونس و مصر مطرح شد. اما سوال اینجاست نسبت به جامعه مصر تعداد این جوانان و افراد حاضر در میدان التحریر چقدر بود؟

تعداد این افراد با توجه به وضعیت اجتماعی و اقتصادی مصر، بسیار اندک بود. در مقایسه با جمعیت ۹۰میلیونی مصر، تعداد این افراد کم است. بخش بزرگی از جامعه مصر بی‌سواد هستند. اگرچه مساله باسواد شدن یک بحث است اما بحث اینکه افراد چه آموزه‌هایی به جای خواندن و نوشتن داشته‌اند، مساله‌ای جداگانه است. نزدیک نیمی از جامعه مصر هنوز بی‌سواد هستند. مساله بعدی، مساله شهرنشینی است. نیمی از جامعه مصر روستانشین هستند و این در حالی است که در سال ۲۰۰۷ نرخ شهرنشینی در دنیا از ۵۰ درصد گذشت و این قرن را سازمان ملل، قرن شهرنشینی اعلام کرد. بنابراین مساله شهرنشینی، در جابه‌جایی و مناقشات سیاسی، مهم است. در مصر، وقتی جریان میدان التحریر به وجود آمد و فشار این گروه باعث شد که مبارک ناچار به کناره‌گیری شود و بحث انتخابات به وجود آمد، تازه جامعه مصر وارد این مباحث شد. پس از میدان التحریر جامعه مصر با این مسایل روبه‌رو شد؛ جامعه‌ای که سطح سواد و سطح شهرنشینی در آن پایین است. بخش بزرگی از جامعه شهرنشین هم حاشیه‌نشین هستند. یعنی هنوز شهرنشینی به مفهوم شهروند و بنا بر تعریف جامعه‌شناسان طبقه متوسط شکل نگرفته، بنابراین اگر انتخابات برگزار شود و حتی اگر آزاد هم باشد، نمی‌توان از آن انتظار انتخابات منصفانه بودن داشته باشیم. نقش رسانه‌های شفاهی هم هنوز در جامعه بی‌سواد مصر بسیار تعیین‌کننده است. این در حالی است که می‌دانیم انتخابات مصر حتی اگر انتخابات آزاد بود، بی‌شک منصفانه نبود. در جامعه‌ای مانند مصر نهادهای غیردولتی و جامعه مدنی، نمی‌توانند دارای نقش تعیین‌کننده باشند. مجموعه آنچه گفته شد سبب شد که پیشگامان میدان التحریر نسبت به کل جامعه مصر در اقلیت قرار بگیرند.

برخی معتقدند ارتش مصر، نقش مهم و تاثیرگذاری در مصر دارد. این مساله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در مصر قدرت اصلی در دستان ارتش است و ارتش نزدیک ۵۰ سال است که این کشور را اداره می‌کند. ارتش همه نهادهای سیاسی، اطلاعاتی، نظامی، امنیتی را کنترل می‌کند. همچنین بخش بزرگی از اقتصاد مصر در اختیار ارتش است. با توجه به گستردگی فقر و بی‌سوادی و عدم توسعه در جامعه مصر از سوی دیگر کادر بودن ارتش مصر، این خود باعث شده که ارتش نقش مهم اقتصادی و اجتماعی در مصر داشته باشد. خوراک، معیشت و زندگی بخش بزرگی از جامعه مصر در دستان ارتش مصر است. با توجه به وضعیت جامعه و نقش ارتش، ارتش نمی‌خواهد و نمی‌خواست نقش خود را واگذار کند. طی سال‌های پایانی حکومت مبارک، بر سر جانشینی او، میان مبارک و ارتش چالشی به وجود آمده بود. مساله این بود که از میان پسر مبارک، یک نظامی یا یک نفر از حزب کدام یک جانشین مبارک شود. مبارک می‌خواست یکی از پسرانش (جمال) را به قدرت برساند. ارتش دو انتخاب داشت؛ می‌توانست کنار مبارک بماند و هزینه کار را بالا ببرد مثل آنچه در لیبی رخ داد. اما ارتش نقش متفاوتی بازی کرد. ارتش نقش میانجی و واسطه را میان دو نیرو برای خود انتخاب کرد؛ نیروهایی که خواستار رفتن مبارک بودند و نیروهایی که می‌خواستند مبارک بماند. سمت و سوی رویدادها به شکلی پیش رفت که مبارک نتوانست دوام بیاورد. بنابراین شورای نظامی قدرت را بر عهده گرفت. به نوعی می‌توان چنین گفت. ارتش تلاش کرد دوران عبور و انتقال قدرت را مدیریت کند. چنانچه این روزها شاهد نقش ارتش در مصر هستیم. ارتش مصر می‌خواهد قانون اساسی را تنظیم و ساختار تقسیم قدرت را خودش مدیریت کند. ممکن است نقش مستقیم ارتش در آینده کاهش پیدا کند. اما توانایی ارتش در وتو کردن تصمیم‌ها و مدیریت کشور همچنان محفوظ است. علاوه بر اینکه ارتش قدرت اقتصادی خود را نیز از دست نمی‌دهد. بازی ظریف ارتش در تحولات مصر این بوده است که ارتش مصر در زمان مبارک قصد داشت احمد شفیق یا الطنطاوی را به عنوان رییس‌جمهوری بعدی به قدرت برساند. آن موقع ممکن بود این اتفاق به صورت سنتی روی دهد اما حالا همان اتفاق با چهره‌ای دموکراتیک در حال روی دادن است. ارتش مصر همچنین بلافاصله بعد از رفتن مبارک برای اینکه نیروهای دموکراسی‌خواه و لیبرال را از بازی خارج و خانه‌نشین کند، نقش نیروهای سنتی و اخوان‌المسلمین را تقویت کرد. بنابراین در انتخابات مجلس، طبق یک توافق نانوشته، ارتش، اخوان را تقویت کرد و به این‌سان بود که نیروهای میدان التحریر و دموکراسی‌خواهان از دور رقابت‌ها حذف شدند.

اخوان‌المسلمین پس از اینکه کرسی را در پارلمان مصر به دست آورد، اعلام کرد که نامزدی برای انتخابات معرفی نخواهد کرد. اما محمد مرسی امروز از سوی اخوان‌المسلمین حمایت می‌شود. این مساله را چگونه می‌بینید؟

براساس توافق نانوشته که درباره آن گفتیم، اخوان اعلام کرده بود که در انتخابات کاندیدایی معرفی نخواهد کرد. یعنی اخوان سعی داشت که نشان دهد پس از به دست آوردن اکثریت آرا در مجلس، تمایلی برای شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری ندارد و فضای انتخابات ریاست‌جمهوری را به ارتش مصر می‌سپارد.

در این میان جوانان شش آوریل و میدان التحریری سعی کردند نفوذ تمام‌عیار ارتش را در قدرت سیاسی مصر نمایش دهند و بر ارتش فشار بیاورند و همین باعث شد که تعداد نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری بیش از انتظار شد و نیروهای دیگری نیز به عنوان کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری اعلام آمادگی کردند. بنابراین اخوان احساس کرد که بازنده بازی خواهد بود و بنابراین اخوان تعهد قبلی را نقض کرد و مستقیما وارد بازی انتخابات ریاست‌جمهوری شد و این مساله باعث پیچیده شدن بازی شد. از سوی دیگر برخلاف سنت، که معمولا شخصیت‌های کاریزماتیک، روی موجی سوار می‌شوند، در میان کاندیداهای مصری، شخصیت فرهمندی وجود نداشت. بنابراین، بخشی از جامعه در انتخابات شرکت نکردند. بنا بر آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که انتخابات مصر آزاد بوده ولی منصفانه نبوده است چراکه نه در تبلیغات و نه در امکانات و نه در توزیع پول و کمک‌های کشورهای همسایه از جمله عربستان سعودی، هیچ چیز منصفانه نبود.

برخی از تحلیلگران جهان عرب معتقدند اخوان‌المسلمین تحت نفوذ عربستان هستند. نظر شما چیست؟

باید به این نکته توجه کرد که مساله اصلی عربستان و کشورهای حاشیه خلیج‌فارس شکل نگرفتن یک حکومت دموکراتیک در خاورمیانه است. شکل گرفتن یک حکومت دموکراتیک در منطقه از جمله نگرانی‌های این کشورهاست که می‌تواند برای حکومت‌های سنتی آنان نیز زنگ خطری به حساب بیاید. با توجه به نقش کلیدی مصر در خاورمیانه و در میان کشورهای عرب‌زبان، تشکیل حکومت مردم‌سالار در مصر، حساسیت‌های بیشتری را نیز برای این کشورها عربی و عربستان برمی‌انگیزد. بنابراین عربستان نیز خواستار حضور دو کاندیدای محافظه‌کار در انتخابات بود. به هرحال نه کاندیدای اخوان و نه ارتش، هیچ کدام ترقی‌خواه و مدرن نیستند. هر دو این کاندیداها خواستار استوار حکومت متمرکز و اقتدارگرا هستند. برخلاف برخی، من معتقدم عربستان در نهایت از کاندیدای ارتش حمایت خواهد کرد. حمایت از کاندیدای اخوان‌المسلمین در اولویت بعدی قرار دارد.

پس نقش مذهب و اشتراکات ایدئولوژیک میان اخوانی‌ها و عربستان و کشورهای حاشیه در کجای معادلات جای دارد؟

اخوان و عربستان روابط نزدیکی دارند ولی با عربستان و مبارک روابط نزدیک‌تری داشتند. با مقایسه این دو با هم و نسبت نزدیک عربستان با اخوان و ارتش، این مساله که عربستان ارتشی که نیروهایش شناخته‌شده هستند و نماینده حکومت «نظامیان» خواهند بود، روشن می‌شود. نیروهایی که ممکن است در دولت آینده مصر به رهبری اخوان نقش داشته باشند، ناشناخته هستند و معلوم نیست که این دولت احتمالی به کدام سو خواهد رفت اما برعکس دولت ارتش، امتحان پس داده است و کادر آن هم مشخص است، روابط خارجی ارتش نیز با آمریکا و عربستان از پیش معلوم است. اما به هرحال نظامی‌ها در نهایت به دنبال توسعه اقتدارگرا هستند؛ توسعه‌ای بدون توسعه سیاسی و اجتماعی.

آیا در نهایت رای نیروهای جوان میدان التحریر به سبد نامزد نظامیان ریخته خواهد شد؟

در حال حاضر نیروهای جوان در یک بحران گرفتار شده‌اند. به هرحال هیچ کدام از کاندیداهای موجود جزو کاندیداهای مطلوب این جوانان نیستند. ولی من فکر می‌کنم باید دید کدام یک از کاندیداهای موجود در درازمدت فضای بازتری در جامعه ایجاد خواهند کرد. بسیاری بر این باورند که با ورود ارتش مصر کمابیش به شرایط دوران مبارک بازخواهد گشت و اجازه توسعه داده نخواهد شد. از سوی دیگر با روی کار آمدن دولت اخوان در مصر احتمال انشقاق در مصر وجود دارد. اما اگر اخوان و ارتش در یک مناقشه و چالش قرار بگیرند، ممکن است فضایی باز در جامعه پدید بیاید. به نظر می‌رسد آنها به احمد شفیق رای نخواهند داد اما اینکه آیا به مرسی رای خواهند داد یا نه، مساله‌ای است که هنوز روی آن توافق نشده است. بنابراین ممکن است آنان در انتخابات شرکت نکنند.

سیاست خارجی دولت احتمالی اخوانی‌ها چگونه خواهد بود؟

اگر اخوان همچنان به دنبال کسب کمک‌های خارجی باشد باید به سیاست‌های رژیم سابق نزدیک شود، به این ترتیب اخوان از گذشته و شعارهای پیشین خود دور می‌شود. اگر اخوان بخواهد بر مدار شعارهای پیشین خود استوار بماند، باید منتظر باشد تا برای مثال سه‌میلیارد دلاری که آمریکایی‌ها به مصر کمک می‌کنند، کاهش یابد. به این ترتیب روابط مصر با دنیای غرب دچار مشکل خواهد شد.

سرنوشت قرارداد کمپ دیوید و رابطه با اسراییل چگونه خواهد بود؟

سیاست خارجی شفیق روشن است و او همان سیاست‌های گذشته را در قبال رابطه با اسراییل و ایالات متحده ادامه خواهد داد. اما در مورد قرارداد کمپ دیوید باید بگویم که این قرارداد، جزو تاریخ محسوب می‌شود. کسی نمی‌تواند تاریخ را از نو بنویسد. کمپ دیوید دارای دو قسمت است؛ یکی مساله جغرافیایی مصر است که براساس این قرارداد «سینا» به مصر بازگشت. بنابراین هیچ کدام از دو نامزد انتخاباتی و در نهایت دولت مصر نمی‌خواهد قرارداد کمپ دیوید را ملغی کند. بخش دوم قرارداد کمپ دیوید که مسایل امنیتی و سیاسی را دربر می‌گیرد، حایز اهمیت است. مساله‌ای که در این قرارداد، امنیت مصر را خدشه‌دار می‌کند، این است که براساس این قرارداد، حضور ارتش مصر در صحرای سینا محدود شده است. در مفاد کمپ دیوید آمده است که ارتش حق ندارد در مرزهایش با اسراییل سلاح سنگین مستقر کند و این شرط عقب‌نشینی نیروهای اسراییل از صحرای سینا بوده است. اما به نظر می‌رسد، اسراییل هم باید بپذیرد که شرایط بین‌المللی تغییر کرده است و بازگشت از کمپ دیوید برای هیچ‌کس ممکن نیست. به نظر می‌رسد اخوان در یک سال گذشته به عنوان یک تشکیلات سیاسی سعی کرده این قرارداد را بپذیرد. اخوان اعلام کرده که این گروه قرارداد کمپ دیوید را به عنوان یک حزب و تشکیلات سیاسی نمی‌پذیرد اما به هرحال اخوان در قالب مصر باید به عنوان دولت درباره کمپ دیوید، نوع و رابطه با اسراییل تصمیم بگیرد. به نظر می‌رسد در نهایت روابط مصر با اسراییل به شیرینی سابق نخواهد بود. اما اینکه اخوانی‌ها بخواهند به سمت قطع کامل رابطه با اسراییل بروند، قابل پیش‌بینی نیست.

طی چند روز گذشته دادگاه عالی قانون اساسی نامزدی احمد شفیق را تایید و از سوی دیگر مجلس خلق مصر را منحل اعلام کرد. با توجه به آنچه در مورد توافق نانوشته اخوان‌المسلمین و ارتش به ماجرای انتخابات مجلس اتفاق افتاد، ارزیابی شما از انحلال مجلس چیست؟

ارتش سعی کرده بود توازن قدرت را از دیدگاه خودش در مصر حفظ کند اما پس از اعلام حمایت اخوان‌المسلمین از محمد مرسی و افزایش احتمال به قدرت رسیدن او، دادگاه عالی قانون اساسی به کمک ارتش آمده تا درصورت پیروزی اخوان، این گروه مجلس را از دست داده باشد. با حذف اکثریت اخوان در مجلس خلق مصر، ارتش می‌تواند فصل‌الخطاب بودن خود را در عرصه سیاسی همچنان حفظ کند. مصر به ثبات نرسیده و ممکن است حوادث جدیدی با سرعت بالا در مصر بعد از مبارک اتفاق بیفتد.

روزنه

مهندس در برابر ژنرال

■ «ابراهیم صالح» ۸۳ساله و بازرگان که تابعیت سوییسی نیز دارد، در ویلایی واقع در جنوب شرقی قاهره زندگی می‌کند. صالح واعظ خبره‌ای در جهان اسلام و اروپا به شمار می‌آید و به صورت غیررسمی مرد شماره سه و یکی از نظریه‌پردازان اخوان‌المسلمین محسوب می‌شود. صالح عقیده دارد که دوستش یعنی مرسی فردی مردمی، عمل‌گرا و اقتصاد محور است و به همین خاطر از نامزدی او در انتخابات ریاست‌جمهوری حمایت می‌کند. اما پرسش اینجاست که به چه علت این کاندیدا در دور اول انتخابات تنها ۲۴/۸درصد از آرا را نصیب خود کرد؟ این در حالی است که حزب وی در انتخابات پارلمانی ماه ژانویه نزدیک به ۴۰درصد از آرا را از آن خود کرده بود. آیا این به دلیل فقدان کاریزمای مرسی است و اینکه وی بعد از ردصلاحیت آن‌میلیونر یعنی «خیرات ال شاطر» توسط کمیسیون انتخابات به عنوان «گزینه ثانویه» به میدان آمد؟

و یا شاید کم اقبالی مرسی ناشی از اقدامات سوال‌برانگیز نمایندگان همفکرش در پارلمان باشد، همان نمایندگانی که مباحث فرعی را به مشکلات اصلی کشور ترجیح دادند و برخی از آنان حتی از صحبت کردن با خانم‌ها نیز ابا دارند؟ البته بعدها مرسی در برنامه‌های تلویزیونی سعی کرد که چهره‌ای نرم‌تر از خود نشان دهد و توجه قبطی‌ها و لیبرال‌ها را نیز به خود جلب کند. اما جملاتی که از قول وی در یکی از روزنامه‌های مصر منتشر شد، به نگرانی‌ها دامن زد. دورنمای قبضه کامل قدرت توسط اخوان‌المسلمینی که قدرتمندترین فراکسیون پارلمان را نیز در اختیار دارند بسیاری از مصری‌ها را وحشت‌زده کرده است و این احتمال هر روز بیشتر می‌شود که برخی از مردم به طور کلی انتخابات را تحریم کنند. یک کارشناس مصری عقیده دارد: «مشارکت در این انتخابات به زیر ۱۵درصد خواهد رسید و مشروعیت رییس‌جمهور برآمده از چنین انتخاباتی به‌شدت کاهش می‌یابد.» با این حال مردم مصر به‌شدت انتظار دارند هرکس که جانشین مبارک می‌شود مردی قدرتمند باشد که بتواند در برابر مشکلات لاینحل کشور بایستد. زیرا این امپراتوری نیل در واقع امپراتوری انسان‌ها است: با توجه به فقر اجتماعی و ناامیدی به گروه‌های سیاسی موجود است که می‌توان توضیحی برای شگفتی دور اول انتخابات پیدا کرد. در دور نخست کاندیدای چپ‌گرا یعنی «حمدان صباحی» اگرچه با اختلافی اندک نتوانست به دور بعد راه یابد و از گردونه رقابت خارج شد اما ۲۰/۸درصد از آرا را به خود اختصاص داد که در نوع خود یک پدیده به حساب می‌آید.
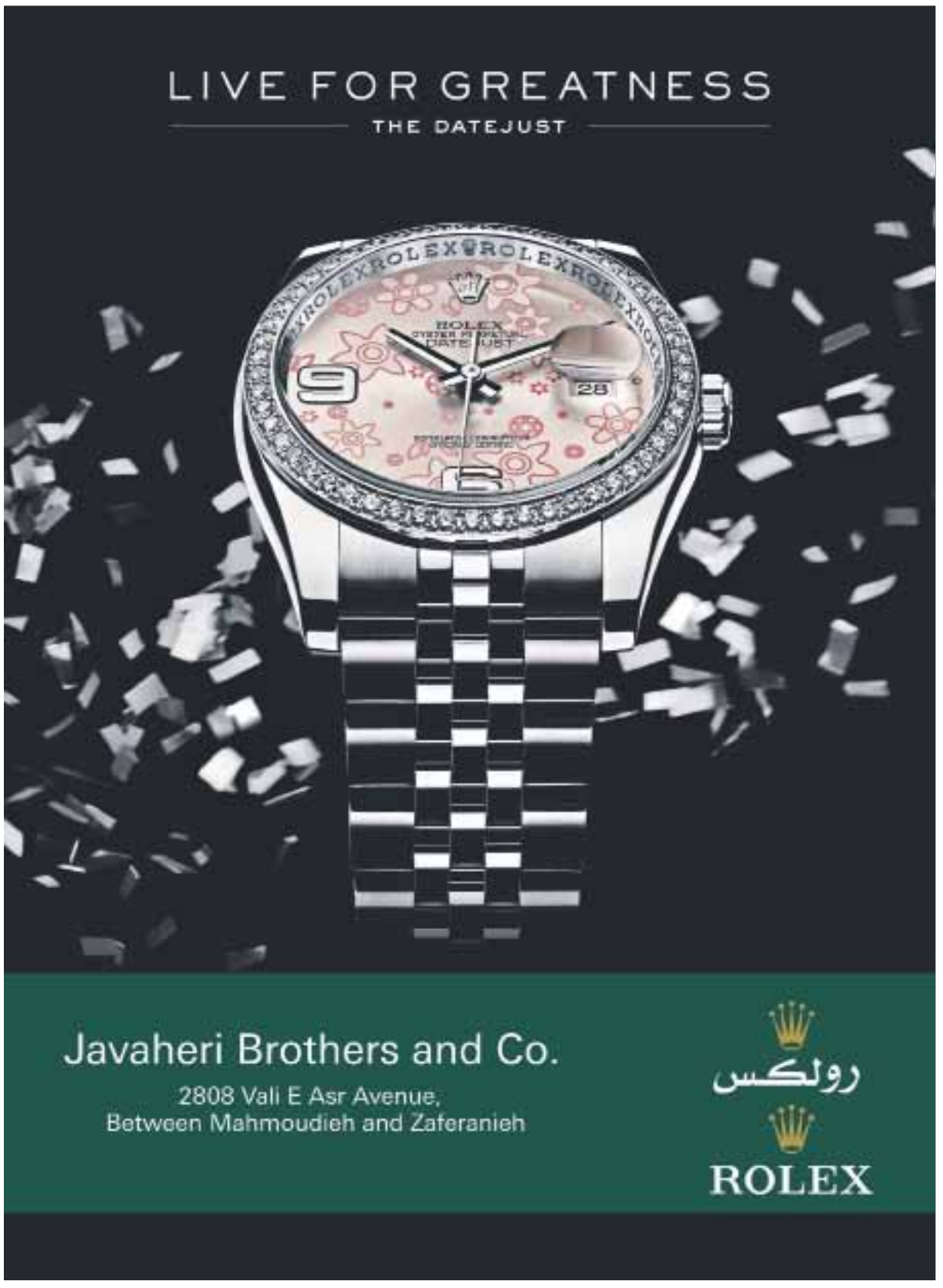
منبع: اشپیگل